

Claude serre

بیمارستانهای طنز Hospital jokes

اسماعیل عباسی

یکی از مهم ترین نیازهای بشر در روی آوردن به طنز ، از جمله طنز تصویری ، کاستن از سختی های زندگی بوده است . طنز شفاهی در طول هزاران سال نقش مهمی در ایجاد تعادل درمناسبات انسانی داشته است و تمامی ملت ها و اقوام از این مقوله فرهنگی برای کاهش خشونت ها و دشواری های زندگی بهره برده اند . در حوزه ی طنز تصویری یا کاریکاتور ، پرداختن به موضوعات مربوط به « بیماری » و

« بیمارستان » همواره مورد علاقه هنرمندان این رشته بوده است . بیماری یکی از قدیمی ترین آلام انسان و همزاد او است . در طول قرون متمادی ، به همان میزان که راه و روش های درمان بیماری ها متحول شده ، سوژه های کاریکاتورهای مربوط به این حوزه نیز تغییر پیدا کرده است . به عنوان مثال ، در میان انواع بیماری ها ، موضوع دندان درد و « کلیتین » به عنوان یکی از قدیمی ترین سوژه ها ، همواره دستمایه ی طنز تصویری در میان هنرمندان متعلق به فرهنگ های گوناگون بوده است .

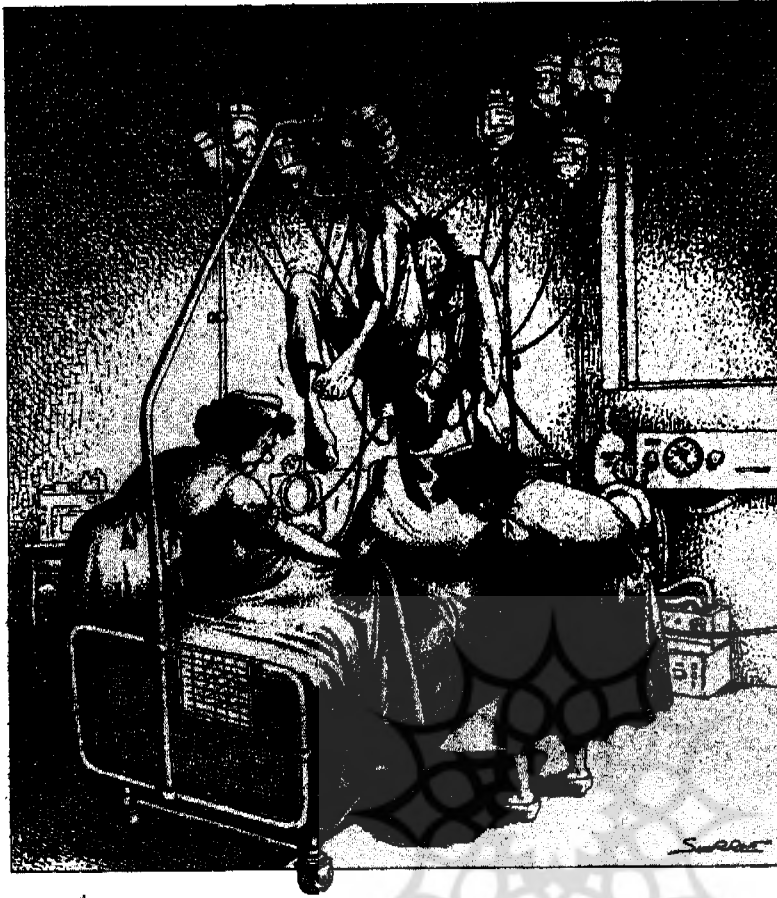
رویکرد هنرمندان کاریکاتوریست به موضوعات بیماری و بیمارستانی یک اقدام آگاهانه برای پاسخگویی به بخشی از نیازهای بشر است . همه ما به نوعی از تیغ جراحی هراس داریم ، با وجود آن که می دانیم جراحان برای نجات یک زندگی به کاری سخت و طاقت فرسا دست می یازند . طنز تصویری با دستمایه قرار دادن موضوعات بیمارستانی ، به ویژه مسائل جراحی و شوخی با پزشکان ، به نوعی می کوشد این ترس دیرین را متعادل کند و رخدادهای بسیار جدی و رازناک اتاق های عمل و جراحی را همچون یک شوخی



رایج به میدان طنز عامیانه بکشاند تا ترس کاذب ما را از آن ها بشکند .

از این رو ، بسیاری از کاریکاتوریست های معروف و سرشناس جهان معمولاً یک مجموعه کاری درباره ی مسائل بیمارستانی دارند . در میان هنرمندان کاریکاتوریست ایرانی نیز نمونه های شاخصی داشته ایم ، از جمله کامبیز درمیخش ، اردشیر محمص و مسعودمهرابی مجموعه ای با همین موضوع دارند . آثاری که سرشار از طنز عمیق و در خور فهم برای اقشار مردم است .

در میان کاریکاتوریست های خارجی ، کلودسر ، هنرمند برجسته فرانسوی که متأسفانه در اوج خلاصیت و پختگی هسال پیش بر اثر بیماری، چشم از جهان فرو بست ، یکی از معروف ترین مجموعه های موسوم به کاریکاتورها و طرح های بیمارستانی را خلق کرده است . این آثار چه به لحاظ ترکیب و شیوه ی کار و چه از نظر محتوا در ردیف بهترین دست آفرین های هنر کاریکاتور معاصر محسوب می شود . در این آثار ، کلودسر مهارتی شگفت انگیز در زمینه ی شناخت هنر طراحی به نمایش می گذارد ، میراث ارزشمندی که یادگار سپیده دم انتزاع هنر کاریکاتور از نقاشی است و در هر اثر ، جهانی از استعداد ، حوصله ، ذوق و خلاصیت رami توان به تماشا نشست . کلودسر با پیش درآمدی بسیار شیرین و دلپذیر، مخاطبان رایبه مطالعه این بخش از آثارش فرامی خواند و هوشمندانه با نمایش کاریکاتوری بسیار زیبا تلاش می کند و به پزشکان محترم این پیام را بدهد که هدف او بیان نوعی شوخی است و نباید



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

رنجشی در خاطر خطیرشان خطور کند .
 درکاریکاتوری ، یکی از همراهان اتاق عمل ، که
 پزشک جراح را در بستن ماسک یاری می دهد ، در
 آخرین مرحله ، در بستن یک گوی قرمز رنگ بر
 برروی بینی جراح به او کمک می کند . این گوی
 برگرفته از نماد رایج چهره های کمیک نمایشی
 است .

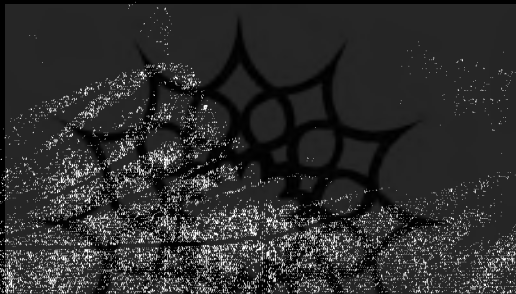
پیش از ورود به شناسنامه ی کتاب و تصویر
 کلودس با آن سیمای خندان اما هوشیار ، با طرح
 بسیار زیبای عبور یک دسته موزیک از مقابل یک
 بیمارستان روبرو می شویم . در این اثر ، اعضای
 دسته به نوعی ، شخصیت های معروف آثار دومیه
 رابه خاطر می آورند . اغراق باتمامی ظرافتهای
 دلپذیر هنر کاریکاتور به گونه ای رعایت شده
 است که هیچ لطمه ای در توازن طرح ، فضاسازی
 ماهرانه و ریتم اثر ایجاد نمی کند . در هم ریختگی
 صف دسته ی موزیک که بنا به طبیعت این گروه ،
 با نظمی چشمگیر در حال عبور و نواختن بودند و
 حالا به دعوت سرپرست خود به آرامش دعوت
 شده اند ، جلوه های بصری جالبی را به وجود
 آورده است . حرکت ناخودآگاه یکی از شیپور زنان
 در منتها الیه صف که می کوشد به جای خودداری
 از میدن در شیپور با سد کردن دهانه ی گشاد
 ساز ، از پخش صدای آن جلوگیری کند ، مایه های
 طنز را در این کاریکاتور غنی تر کرده است . نفر
 واپسین دسته ی موزیک که هنوز علامت هشدار
 دهنده ی سرپرست دسته را دریافت نکرده است ،
 در حالی که همچنان به طبل می گوید . با چشمانی
 نگران به تابلوی هشدار دهنده بیمارستان خیره
 شده است . در انتهای دسته ، حرکت محسوس
 شیپورهای بزرگ که در مقایسه با فضای کلی اثر
 و آدم ها ، بسیار ماهرانه طراحی شده اند ، نشانگر



SARRE

تقلایی است که نوازندگان برای حفظ تعادل خود و
 جلوگیری از سقوط سازها بر اثر جابه جایی و
 تکان های شدید صف انجام می دهند .
 یکی از برجسته ترین نماهای بصری این
 کاریکاتور زیبا ، حرکات ناخودآگاه و جمعی
 دسته ی موزیک است . تمامی آن ها خود را جمع و
 یا در واقع قوز کرده اند که تداعی نوعی احساس
 شرمندگی و پنهان ماندن از نگاه های احتمالی
 بیماران و یا مسئولان بیمارستان است . و این در
 حالی است که حرکت سرپرست دسته ی موزیک ،
 دعوت به آهسته نواختن است و نه قطع موزیک .
 کلودس با بهره گیری از یک کنتراست جالب در
 دو بخش کاملاً چشمگیر اثر ، یعنی دسته ی موزیک
 و نمای بیمارستان ، باتوانایی کوشیده است
 سکون و آرامش چشمگیر بیمارستان و سرو صدا
 و هیجان دسته موزیک را به صورت بصری به
 مخاطب منتقل کند . این هنرمند در فضاسازی کل
 اثر ، مرکز ثقل کاریکاتور را مدخل بیمارستان قرار
 داده است . اندازه و ابعاد کار ، به خصوص رعایت
 جزئیات بسیار دقیق اجزاء معماری و نمای
 بیمارستان و پرسپکتیو ، به گونه ای است که
 مخاطب ، اثر را نه به صورت یک طنز تصویری
 مجرد ، بلکه با دریافت حسی متقابل پذیرا می شود
 و خود را کاملاً در صحنه می یابد . نوع پوشاک ،
 دقت طراح در کاربرد جزئیات ، استفاده از هاشور
 در نمایش آناتومی و زاویه ها و سایه ها این
 دریافت حسی را در مخاطب بیش تر می کند .





کلودسر در این مجموعه به غایت کوشیده است از مناسبات میان پزشکی و بیمار ، ناب ترین سوژه ها را پیدا کند ، و در قالب کاریکاتورهای جذاب ، به باز آفرینی طنز آمیز بخشی از واقعیت های موجود در جامعه خود بپردازد . در این آثار هیجان و بی قراری بیمار در برابر خونسردی و رفتار متعارف پزشکی ، یک تضاد طنز آمیز را بیان می کنند . همچنین در مواردی ، هنرمند با ورود به فضاهای سورئالیستی ، ناممکن هایی را به تصویر می کشد که ضمن دارا بودن مایه هایی غنی از طنز ، بخشی از آرزوهای نهفته پزشکی را بازگو می کند . شایان یاد آوری است که در این مجموعه ، شماری از آثار در برگیرنده ی موضوعات و سوژه هایی است که در آثار بسیاری از کاریکاتوریست های جهان دیده می شوند ، مانند ترس از زدن آمپول ، دلمشغولی های غیر بیمارستانی ، کشف هیولاهای محیر العقول در امحا و اجشا بیماران ، کالبد شکافی قلب هایی که به تیر عشق گرفتار آمده اند و غیره ، اما شیوه ی طراحی و ایجاد حس واقعی در مخاطب با فضاسازی های مناسب از ویژگی های آثار کلودسر است . او در استفاده درست از اجزاء تصویری در بیان مفاهیم هوشیارانه عمل می کند .

در یکی از آثار این مجموعه ، کادر پزشکی و خیمه یک آمبولانس در جست و جوی بیمارستانی که بیمار باید به آنجا منتقل شود ، نقشه را وارسی می کنند . صحنه مثل بسیاری از کاریکاتورهای



برگرفته از طنز سیاه هراس انگیز است . دقت کلودسر در طراحی و نمایش جزئیات ، به خصوص رعایت مقیاس ، پرسپکتیو و فضاسازی مناسب صحنه را واقعی تر می نمایاند . توقف آمبولانس در نقطه ای خلوت و ساکت نیز این حس را تشدید می کند . اما مهم تر از همه ، ایستادن آنها در پای دیوار بلند یک گورستان است که نشانه های خاموشی ابدی ساکنانش از ورای دیوار آشکار شده است .

کار کلودسر در نمایش صحنه از مایه های روشن در قسمت پائین به مرور در قسمت بالا و چپ اثر به تیرگی می گراید . پرتوهایی از نور که بر صلیب ها ، شیروانی مقبره ها و شاخه های عریان یک درخت خشک تابیده ، در زمینه ی تیره آسمان تضاد حیرت انگیزی را پدید آورده است . اما مجموعه ی عناصر تصویری در خدمت طنز اثر قرار دارند . و مخاطب با عبور از فضای هراس آلود اثر ، به روشنایی طنز غنی آن می رسد و سیاهی کار را چون یک چاشنی جذاب پذیرا می شود .

